

# تکوین و تطویر خط نستعلیق در سده هشتم و نهم هجری قمری\*

دکتر صداقت جباری\*\*

عضو هیئت علمی گروه گرافیک و عکاسی، دانشکده هنرهای تجسمی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.  
(تاریخ دریافت مقاله: ۸۶/۶/۲۱، تاریخ پذیرش نهایی: ۸۶/۹/۳)

## چکیده:

خط نستعلیق از حدود قرن دهم هجری قمری تا به آمروز مرسوم‌ترین خط خوش در میان ایرانیان است. روایات سنتی، واضح نستعلیق را میرعلى تبریزی از خوشنویسان زمان امیر تیمور دانسته‌اند. اما مطالعات بیشتر نشان می‌دهد که این خط چندین دهه قبل از زمان حیات میرعلى تبریزی شکل گرفته‌است. خط نستعلیق از بد و تکوین، یعنی نیمه دوم قرن هشتم هجری، مکاتب متعدد و مختلفی را در ایران و سایر ملل اسلامی چون هند، پاکستان، افغانستان و ترکیه پشت سر گذاشته‌است که بر جسته‌ترین و درازمدّت‌ترین آنها مکتب میرعماد حسنی، خوشنویس بزرگ زمان صفوی در ایران است. در مقاله حاضر، ابتدا اندکی به تاریخچه خط عربی و خطوط خوش اسلامی پرداخته شده‌است. سپس از طریق جست‌وجو در منابع کهن دست اول و یافتن اطلاعاتی که از تاریخ پیدایش خط نستعلیق در این متون برای ما به جا مانده‌است، و نیز با بررسی وارائه نمونه‌هایی از نسخه‌های خطی که در قرن هشتم و اوایل قرن نهم هجری به این خط نوشته شده‌اند، سعی در تعیین عوامل و نحوه شکل‌گیری خط نستعلیق، حوزه‌های جغرافیایی شکل‌گیری و چگونگی رواج آن در دوره‌های بعدی تا زمان میرعماد شده‌است.

## واژه‌های کلیدی:

خوشنویسی اسلامی، خط تعلیق، خط نستعلیق ابتدایی، خط نستعلیق، میرعلى تبریزی.

\* این مقاله برگرفته از رساله دکتری نگارنده با عنوان "زنیایی‌شناسی خط میرعماد حسنی و بازتاب آن در تاریخ خوشنویسی ایران" در رشته مطالعات عالی هنر است که به راهنمایی جناب آقای دکتر یعقوب آژند تهیه شده‌است. بدین وسیله تشكر خود را از راهنمایی‌های ایشان اعلام می‌دارم.

\*\* تلفن و نمایر: ۰۲۱-۶۶۹۵۵۶۲۰ ، E-mail: sjabbari@ut.ac.ir

## مقدمه

زمان امیر تیمور دانسته‌اند (دوغات، ۱۳۸۳، ۳۱۵؛ سلطانعلی، ۱۳۷۲، ۷۸). اما بررسی نسخه‌های خطی بازمانده از قرن هشتم و اوایل قرن نهم هجری، نشان می‌دهد که خط نستعلیق، چندین دهه قبل از زمان حیات میرعلی تبریزی شکل گرفته است. در این جستار کوتاه، نگارنده تلاش کرده است تا بر جنبه‌هایی از علل و چگونگی تکوین خط نستعلیق و رواج آن در حوزه تمدن ایرانی- اسلامی نظری بیفکند.

از میان خطوط خوش، خط نستعلیق بدون تردید حاصل ذوق و سلیقه ایرانیان است. این خط به دلیل مقبولیت نزد جامعه ایرانی، از بدرو تکوین به سرعت ترویج و گسترش یافت. به گونه‌ای که از حدود قرن دهم هجری اکثر کتابهای فارسی به این خط نوشته شد. زیبایی این خط، در نظر ایرانیان تا حدی است که خط نستعلیق را از دیرباز عروس خطوط اسلامی دانسته‌اند (مجنون رفیقی، ۱۳۷۲، ۱۹۸).

روایات سنتی، واضح این خط را میرعلی تبریزی از خوشنویسان

## خوشنویسی اسلامی

حدود یک قرن بعد، ابوالحسن علی بن هلال البغدادی معروف به ابن بواب (م ۴۲۳) در تکامل بیشتر اقلام سته کوشید (بیانی، ۱۳۴۲، ۷۶۲؛ یوسفی، ۱۳۷۱، ۱۲) و طی قرون بعدی، اساتید بزرگی چون جمال الدین یاقوت بن عبدالله مشهور به یاقوت مستعصمی (م ۶۹ ق) و شاگردان مبربز وی در عرصهٔ خوشنویسی ظهر کردند و هریک به نوبه‌خود در روند تعالی این خطوط تأثیر گذاشتند (بیانی، ۱۳۴۲-۶، ۷۶۵).

از اواسط قرن هفتم هجری قمری در ایران، با تحولی که در قلم نسخ تحریری، یعنی قلم متدابل در نوشتن متون، در اثر تندنویسی به وجود آمده بود، و با الهام از خطوط توقيع و رقاع، رفتارهای خطی به نام تعلیق وضع شد که در نوشتن کتب فارسی و دواوین شاعران فارسی گو به کار رفت و بعدتر به صورت شکسته، به دلیل زیبایی، برای نوشتن مکاتیب و فرامین مورد استفاده قرار گرفت<sup>۱</sup> (بیانی، ۱۳۵۲، ۲۱؛ یوسفی، سهیلی، ۱۳۵۹، پنج؛ یوسفی، ۱۳۷۱، ۷). بعد از ظهر اسلام، تا مدت سه قرن، هر دوی این خطوط در کنار هم به کار می‌رفت (پلاشر، ۱۳۶۳-۸۹، ۹۹؛ آذرنوش، ۱۳۷۴، ۶۹؛ بیانی، ۱۳۵۳، ۲۱). خط نسخ که به آن مستدیر هم گفته شده به دلیل وجود "دور" بیشتر که سرعت و سهولت نگارش را فراهم می‌کند، عمدتاً برای نوشتن مکاتبات، دفاتر و نسخه‌نویسی مورد استفاده قرار گرفت و خط کوفی به جهت پیچیدگی فرم معمولاً برای کتابت مصحف و تزیین اینیه و اشیا به کار گرفته شد.

## تکوین خط نستعلیق

از نیمه دوم قرن هفتم هجری قمری در ایران، قلم نسخ که خط تحریر معمول آن روزگار بود، به واسطهٔ تندنویسی و تحت تأثیر خط تعلیق، که اغلب کاتبان آن زمان نوشتن آن را می‌دانستند، "دور" بیشتری نسبت به گذشته پیدا کرد. بعضی از محققین، این اسلوب تازه را در قیاس با قلم نسخ قدیم، نسخ جدید نامیده‌اند (مایل هروی، ۱۳۸۰، ۲۶۲-۴).

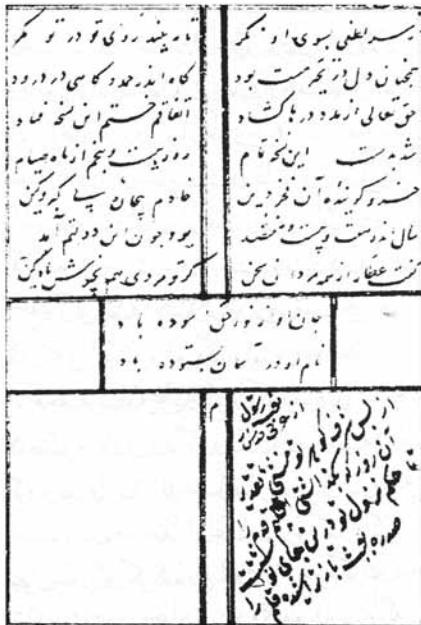
بسیاری از کتاب‌های فارسی که در قرن هفتم و بعض‌دار نیمة اول قرن هشتم به کتابت درآمده‌اند به همین خط نوشته شده‌اند (تصویر ۱).

در میان هنرهای اسلامی، خوشنویسی را می‌توان مهم‌ترین نمونهٔ تجلی روح اسلامی به شمار آورد. خط و کتابت به دلیل حفظ و انتقال کلام الهی، معارف اسلامی و ادبیات، در سراسر قلمرو تمدن اسلامی همواره دارای اهمیتی خاص بوده است. خط نبطی نیز خود مشتق از خط آرامی و از گروه خطوط سامی شمالی است (گاور، ۱۳۶۷، ۱۲۱؛ پلاشر، ۱۳۶۲، ۸۹؛ ۹۹؛ Safadi, 1992, 7: ۹۹-۸۹).

(Sourdel-Thomine, 1990, 11130)

عرب‌پیش از ظهر اسلام، در اثر ارتباط با مردم سرزمین حوران و حیره، به ترتیب با دو خط نبطی و سریانی آشنا شدند و هردو خط‌های نوشتن مورد استفاده قرار دادند. خط نبطی منشأ پیدایش خط نسخی یا نسخ<sup>۲</sup> و خط سریانی منشأ پیدایش خط کوفی کهن یا حیری شد<sup>۳</sup> (سهیلی، ۱۳۵۹، پنج؛ یوسفی، ۱۳۷۱، ۷). بعد از ظهر اسلام، تا مدت سه قرن، هر دوی این خطوط در کنار هم به کار می‌رفت (پلاشر، ۱۳۶۳-۸۹، ۹۹؛ آذرنوش، ۱۳۷۴، ۶۹؛ بیانی، ۱۳۵۳، ۲۱). خط نسخ که به آن مستدیر هم گفته شده به دلیل وجود "دور" بیشتر که سرعت و سهولت نگارش را فراهم می‌کند، عمدتاً برای نوشتن مکاتبات، دفاتر و نسخه‌نویسی مورد استفاده قرار گرفت و خط کوفی به جهت پیچیدگی فرم معمولاً برای کتابت مصحف و تزیین اینیه و اشیا به کار گرفته شد.

در قرن چهارم هجری قمری، از دو خط مزبور به تدریج شش خط منشعب شد که به "اقلام سته" معروف گردید. این خطوط عبارت بود از: ثلث، محقق، ریحان، نسخ، توقيع و رقاع که هر یک برای کتابتی مخصوص به کار می‌رفت<sup>۴</sup> (بیانی، ۱۳۵۳، ۲۱). مطابق روایات سنتی، ابوعلی محمد بن علی بن حسین مقله (م ۳۲۸) معیار نگارش حروف را از شیوه زیبایی‌شناسی و اعمال سلیقه فردی، به صورت نگارش بر پایه اصول ثابت و مدون هندسی درآورد و پایه‌گذار قوانین و قواعد هنر خوشنویسی شد<sup>۵</sup> (یوسفی، ۱۳۷۱، ۷، ۸؛ سمسار، ۱۳۸۵، ۳۹۱).



تصویر ۲- نمونه خط نستعلیق ابتدایی. ترقیمه نسخه منطق الطیب عطار،  
مورخ ۷۲۷ق.  
ماخذ: (مایل هروی، ۱۳۸۰)



تصویر ۳- نمونه خط نستعلیق ابتدایی. شاهنامه فردوسی نسخه محفوظ در  
موزه ملی پاکستان، مورخ ۷۵۶ق.  
ماخذ: (نصیری، ۱۳۶۹)

بیاض تاج الدین احمد وزیر محفوظ در کتابخانه دانشگاه اصفهان که مجموعه یادداشت‌های جمعی از علماء، فضلا و شاعران شیراز در سال ۷۸۲ هجری قمری است. این نسخه بسیار ارزشمند برای بررسی و مطالعه خطوط متداول در شیراز و چگونگی شکل‌گیری خط نستعلیق در قرن هشتم کمال اهمیت را دارد. کاتب صفحات ۲ تا



تصویر ۱- نمونه خط نسخ جدید.  
ماخذ: (شاهنامه فردوسی، محفوظ در موزه بربیتانیا به شماره add 21103  
مورخ ۶۷۵ هجری)

با رواج و اقبال عمومی کتابیان نسبت به قلم نسخ جدید، که سرعت تکتاب را فراهم می‌کرد، کتابانی که در هردو خط نسخ و تعلیق مهارت داشتند، دست به تفنن زده و با در نظر داشتن "سطح" در خط نسخ و "دور" در خط تعلیق، بنیان خط دیگری را به نام نسخ تعلیق گذاشتند. این مرحله از خط نستعلیق را نستعلیق ابتدائی یا تحریر می‌گویند (همو، همان، ۱۹۶؛ بیانی، ۱۳۶۳، ۴۴۲؛ فضائلی، ۱۳۵۰، ۴۴۸؛ یوسفی، ۱۳۷۱، ۴۳).

مؤلف کتاب گلستان هنر از قلمی به نام "نسخ تعلیق آمیز" اسم می‌برد (قاضی احمد، ۱۳۵۹، ۳۷)، که ظاهراً همان قلم نسخ جدید است و آن را با در نظر گرفتن اصول خط تعلیق می‌نوشتند. گمان می‌رود خط نستعلیق از تحول قلم مذکور که تحت تأثیر خط تعلیق بوده شکل گرفته است.

برخی از کتابهایی که در این دوران به خط نستعلیق ابتدائی کتابت شده عبارتند از: مجموعه رسائل فارسی علاءالدوله سمنانی محفوظ در دارالكتب قاهره به شماره ۱۱-۱-م. مجامیع فارسی" دست خط مؤلف با تاریخهای ۶۸۷، ۷۰۳، ۷۱۲ ق؛ منطق الطیب عطار مورخ ۷۷۷ ق (تصویر ۲) (مایل هروی، ۱۳۸۰، ۲۶۷، ۲۶۸)؛ شاهنامه فردوسی نسخه محفوظ در موزه ملی پاکستان مکتوب به سال ۷۵۶ ق (تصویر ۳) (نصیری، ۱۳۶۹)؛



تصویر ۵- نمونه خط نستعلیق ابتدایی. شرح مختصر قاضی عضد به خط  
نجم الدین کرخینی، مورخ ۷۸۵ق.  
مأخذ: (سهیلی، ۱۳۵۹)

شده است؛ خمسه نظامی محفوظ در موزه هنرهای استانبول مورخ ۸۰۱ ق؛ مجموعه اشعار فارسی محفوظ در موزه بریتانیا به خط محمد الحلوانی الجالی الاسکندری و ناصر الكاتب، مکتوب در فارس به تاریخ ۸۱۳-۸۱۴ ق که برای میرزا اسکندر بن عمر شیخ بن تیمور نوشته و آراسته شده است (حبوی، ۱۳۵۶، ۱۰۱، ۱۰۲، ۴۱۹)؛ دیوان سلطان احمد جلایر محفوظ در کتابخانه ایاصوفیه، به خط صالح بن علی رازی با تاریخ ۸۰۰ ق (بیانی، ۱۳۶۳، ۴۴۳)؛ خمسه امیرخسرو دهلوی مورخ ۸۱۱ ق محفوظ در کتابخانه مرعشی به شماره ۱۱۸۰ (مرعشی، ۱۳۸۰، ۷۷۸۹)؛ دیوان حافظ متعلق به آقای شمس الدین خلخالی مورخ ۸۲۷ ق؛ مجموعه دواوین قدیم محفوظ در کتابخانه دانشگاه کمبریج به شماره ۷۰۶۵ به خط محمود شاه نقیب مکتوب به سال ۸۲۷ ق در شیراز؛ مجموعه اشعار محفوظ در کتابخانه بادلیان به شماره ۱21 Elliott به خط کمال کافی مورخ ۸۳۹ ق؛ دیوان حافظ محفوظ در کتابخانه بادلیان آکسفورد به شماره 148 Ouseley-148 به خط اسماعیل بن محمود الرزمی مورخ ۸۴۳ ق (نیساري، ۱۳۸۰، ۵۶، ۶۷، ۶۹).

۱۶ اشعار فارسی را به خط نزدیک به خط نستعلیق، و اشعار عربی و باقی مطالب را به خط نسخ نوشته است. بسیاری از صفحات این بیاض ارزشمند به خطوطی نزدیک به خط نستعلیق نوشته شده است<sup>۶</sup> (تصویر ۴) (بیاض، ۱۳۵۰، ۱۴۸ - ۱۶۵، ۲۲۴ - ۲۵۶، ۲۷۳ - ۳۷۳، ۳۸۴ - ۴۳۳، ۴۴۰ - ۵۵۶، ۴۸۱ - ۴۶۴، ۵۶۲ - ۸۱۲، ۸۱۳)؛

تصویر ۴- نمونه خط نستعلیق ابتدایی، بیاض تاج الدین احمد وزیر محفوظ  
در کتابخانه دانشگاه اصفهان، مورخ ۷۸۲ق.  
مأخذ: (بیاض، ۱۳۵۰)

نسخه‌ای از کتاب مجمع النوادر محمد عوض بن بختیشوع مورخ ۷۸۵ ق (حبابی، ۱۳۵۶، ۱۰۰)؛ شرح مختصر قاضی عضد به خط نجم الدین کرخینی در سال ۷۸۵ ق (تصویر ۵).

مثنویات خواجهی کرمانی محفوظ در موزه بریتانیا به خط میر علی بن الیاس تبریزی مکتوب به سال ۷۹۸ ق در دارالسلام بغداد (تصویر ۶) (سهمیه ۱۲۵۹، شانزده، هفده)، نیز نسخه‌ای از کتاب های دقائق الشعاع، انبیس العشاق و حدائق الحقائق در مجموعه‌ای محفوظ در کتابخانه مرعشی به شماره ۱۲۸۴۳ به خط همو در سال ۸۰۰ ق (تصویر ۷) (مرعشی، ۱۳۸۳، ۱۱۲۹)؛

نسخه‌ای از کتاب عجائب المخلوقات محفوظ در کتابخانه ملی پاریس به شماره ۳۲۲ تکمله فارسی، با رقم: "بتأريخ غره ربیع الاول سنه ۷۹۰ بخط العبد احمد هروی عفى عنه" که برای کتابخانه سلطان احمدخان (شیخ اویس ایلکانی - ۷۸۴ - ۸۱۳ ق) نوشته

تطوّر خط نستعلیق

در کنار تحول تدریجی قلم نسخ جدید، نکته مهمی که در مطالعه سیر تکوین خط نستعلیق نباید از آن غافل بود تأثیر هنر نگارگری، تذهیب، مینیاتور و ساختن نسخه های نفیس و فاخر از دواوین شعرا و منظومه هاست. پیشرفت هنر نگارگری و تذهیب و ظرافت فوق العاده آن نیازمند خطی بود تا از لحاظ فرم های مختلف با آن هماهنگی داشته باشد. احتمالاً یکی از دلایل عدمه پیدایش خط نستعلیق سعی در هرچه زیباتر نوشتن اشعار فارسی و آراستن کتاب ها بوده است (حصوري، ۱۳۶۲، ۹؛ آژند، ۱۳۸۳، ۲۷). در رساله فواید الخطوط محمد بخاری، مؤلف به سال ۹۹۵ هجری قمری آمده است: "و بعضی دیگر از متأخرین خط نسخ تعلیق وضع کرده اند که او موضع از برای ابیات و اشعار است" (بخاری، ۱۳۷۲، ۳۶۱).

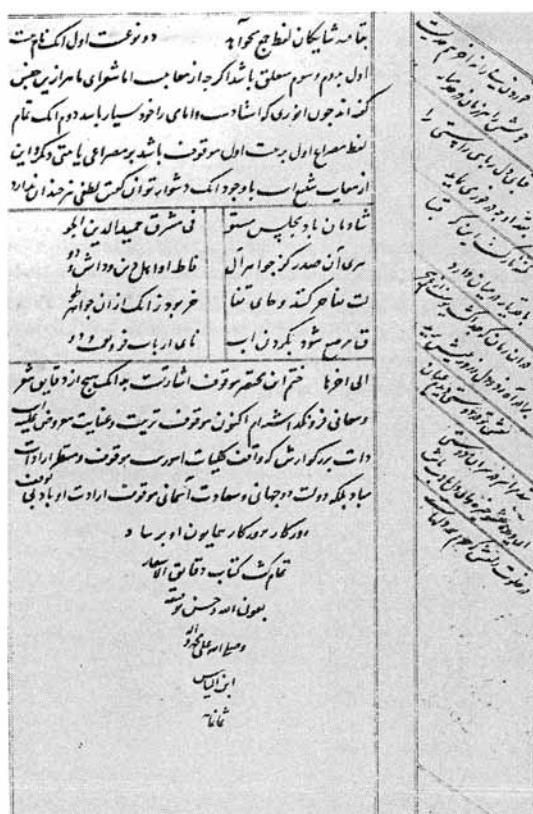
با توجه به اشاره بعضی از رسائل قدیم خوشنویسی و  
علی‌الخصوص تبیّن در نسخ خطی، می‌توان چنین نتیجه‌گرفت که  
خط نستعلیق در آغاز در دو مکتب خوشنویسی شیراز و تبریز  
شکل‌گرفت و ظاهراً از همان ابتدا در هرات و بغداد نیز نفوذ کرد.<sup>۷</sup>

در کتاب تحفه المحبین که دومین متن فارسی در آداب و قواعد خوشنویسی است (تألیف ۸۵۸ق) و مؤلف آن از خوشنویسان شیراز است آمده: «نسخ تعلیق تبریزی و شیرازی»، که طریق تبریزی موضوع خواجه میرعلی تبریزی است و مولانا جعفر تبریزی بایسنفری به نهایت آن موفق گشته. و طریق شیرازی که وضع آن هم از اقلام اهتمام اساندۀ شیراز در سلک خطوط انحراف یافته و استاد این ضعیف به مرتبه‌ای نازک نوشته‌که عقل از ادراک چگونگی قلم آن به صد گونه قصور اعتراف می‌نماید. و حضرت استاد محترم این ضعیف می‌فرمودند که این نوع خط چنان می‌باید نوشته که در هر حرفی هم ملاحظه اصول نسخ کرده باشد و هم رعایت اصول تعلیق» (سراج شیرازی، ۱۳۷۶، ۱۴۲، ۱۴۳). در رساله‌ای دیگر که به جعفر بایسنفری منسوب است، اطلاعات ارزشمندی درباره شگل‌گیری خط نستعلیق آمده که به جهت اهمیت عیناً در اینجا نقل می‌شود: «باید دانست که نسخ تعلیق اصل او نسخ است، جماعتی شیرازیان در آن تصرف کردند و کاف مسطح و ارسال اذیال سین و لام و نون از او بیرون برندند و سین قوسی و کثرت مدات از خطوط دیگر درآورند و غث و سمین در او رعایت کردند و آن را خطی دیگر ساختند و نسخ تعلیق نام کردند. مدتی بر آن گذشت بعد از آن تبریزیان در آن طریق که شیرازیان وضع کرده بودند، تصرف کردند و آن را اندکاندک نازک می‌ساختند و اصول و قواعد آن وضع می‌کردند تا نوبت به خواجه امیرعلی التبریزی شکرالله سعیه رسید و او این خط را به کاما<sup>۱</sup> ساند.<sup>۲</sup> (به نقا، از فضائل، ۱۳۶۴، ۲۶۵).

با توجه به همین رساله اخیر می‌توان حدس زد که خط نستعلیق ابتدا در مکتب خوشنویسی شیراز و توسط کاتبان خوشذوق و شعردوست آن دیار شکل گرفت و اندکی بعد در



تصویر ۶- نمونه خط نستعلیق ابتدایی. مثنویات خواجهی کرماتی محفوظ در موزه بریتانیا به خط میرعلی بن ایاس تبریزی، مورخ ۷۹۸ق.  
ماخذ: (سپهله، ۱۳۵۹)



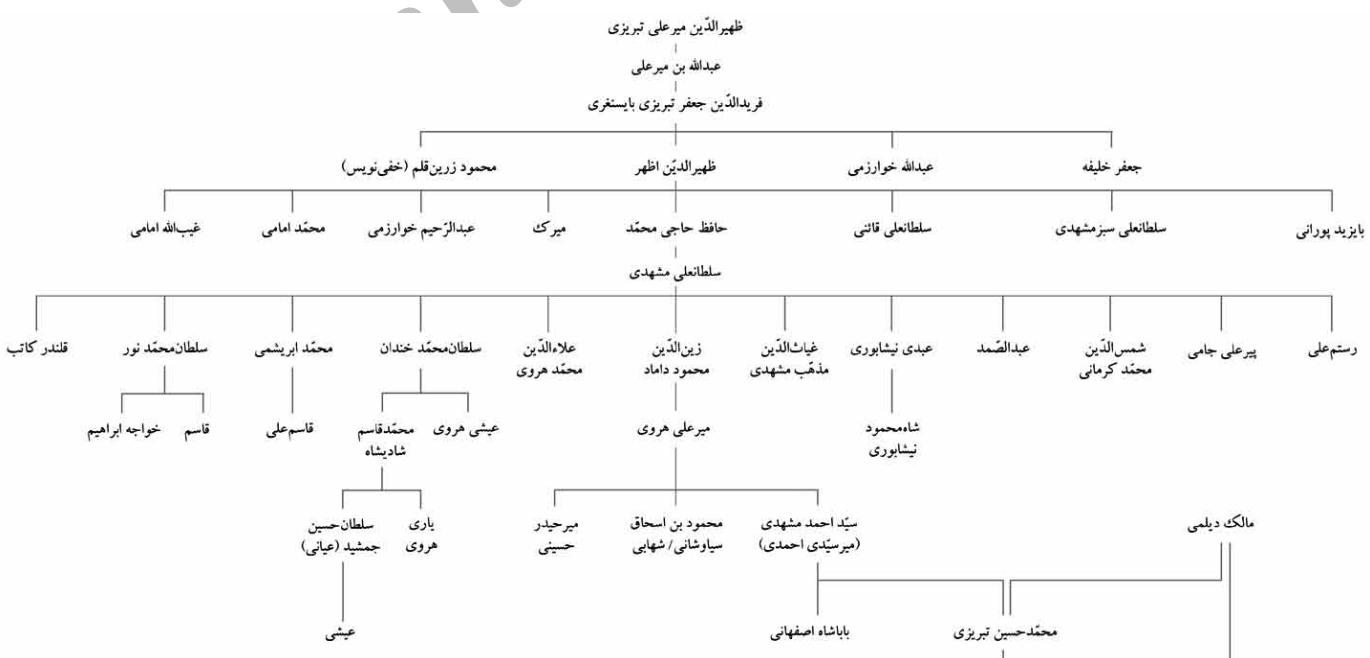
تصویر ۷: نمونه خط نستعلیق ابتدایی. حدائق حقایق در مجموعه‌ای محفوظ در کتابخانه مرعشی به شماره ۲۸۴۴ به خط میرعلی بن الیاس ترتیزی، مورخ ۱۸۰۰ ق. مأخذ: (مرعشی، ۱۳۸۳)

تیموری (شاهرخ و فرزندش بایسنفر میرزا) ریختند و همین شیوه بود که مطابق ذوق ایرانیان واقع شد و رواج پیدا کرد (فضائلی، ۱۳۵۰، ۱۲۴۹، ۴۴۸؛ یوسفی، ۱۳۷۱، ۴۲؛ Alparsalan, 1990, 1124). از جمله آثار فاخر این دوران یک نسخه شاهنامه فردوسی معروف به شاهنامه بایسنفری است که به دستور بایسنفر میرزا شاهزاده هنرمند و هنرپرور تیموری (م ۸۳۷ ق) در سال ۸۲۳ ق توسط میرزا جعفر بایسنفری کتابت شد. پس از این ایشان، خط نستعلیق به معروفترین نستعلیق‌نویس متقدم سلطانعلی مشهدی (م ۹۲۶ ق) رسید. سلطانعلی در طول عمر بلند خود آثار فاخر متعددی به جا گذاشت و شاگردان زیادی تربیت کرد و در واقع مکتب جدیدی را در خط نستعلیق بنیان نهاد. بعد از سلطانعلی مشهورترین خوشنویس نستعلیق میر علی هروی (م ۹۵۱ ق) است که به اجماع صاحب‌نظران از آغاز وضع خط نستعلیق تا زمان او، هیچیک از نستعلیق‌نویسان به مهارت وی در این خط نرسیدند. پس از میرعلی، تا اواخر قرن دهم از میان پیروان و شاگردان او خوشنویسان متعددی پیدا شدند که از آن میان شاه محمود نیشابوری، باباشه اصفهانی و مالک دیلمی را باید در منتهای زبردستی دانست. مقارن با این ایام خوشنویس دیگری به میدان هنرمنایی آمد که درخشنان ترین فصل تاریخ خط نستعلیق را رقم زد. میر عmad بن ابراهیم حسنی سیفی قزوینی (م ۱۰۲۴ ق) که از هنرمندان دوران شاه عباس صفوی است، در همان زمان حیات خود شهرت بسیار یافت و آثار او را کلمه به کلمه و سطر به سطر چون ورق زر می‌خریدند و پادشاهان ایران، هندوستان و عثمانی به داشتن قطعه‌ای از خطوط وی در کتابخانه خود مباراکه می‌کردند (بیانی، ۱۳۴۲، ۷۶۸، ۱۳۴۲) (جدول شماره ۱).

مکتب خوشنویسی تبریز مراحل تکامل را طی کرد و قاعده‌مند شد، و سرانجام در مکتب خوشنویسی هرات<sup>۹</sup> به دست استادانی چون سلطانعلی مشهدی و میرعلی هروی به اوج شکوفائی رسید. این شکوفائی و ترقی در خراسان و هرات تا بدانجا بود که حدود یک قرن بعد، خطوط خوشنویسان آذربایجان و عراق در نزد خوشنویسان خراسان زیاده اعتباری نداشت و این شیوه خراسانیان را مسلم بود (اسکندر بیگ، ۱۳۸۲، ۱، ۱۷۰).

میر علی بن حسن السلطانی تبریزی (م ۸۵۰ ق) از خوشنویسان دربار امیر تیمور گورکان و فرزند وی شاهرخ تیموری، نخستین کسی است که نامش به عنوان واضح خط نستعلیق در تواریخ و تذکره‌ها ذکر شده‌است. اما چنانچه ذکر آن گذشت، باید دانست که او این خط را اختراحت نکرد، بلکه آن را تحت اصول و قواعد درآورد و بدان تشخّص بخشید (هفت‌قلمی، ۱۹۱۰، ۴۲، ۴۳؛ بیانی، ۱۳۶۲، ۴۴۳). چنانچه میان محققین مشهور است، در آغاز ظهور نستعلیق دو شیوه در ایران متداول شد: یکی شیوه عبدالرحمن خوارزمی خوشنویس دربار سلطان یعقوب آق‌قویونلو (۸۸۴-۸۸۹ ق) و پسرانش میرزا عبدالرحیم مشهور به انبیسی و میرزا عبدالکریم که به دلیل رواج در مغرب و جنوب ایران به شیوه غربی موسوم شد. در این شیوه که به نام الف چهارنقشه‌ای هم متداول است، مدادات و دوایر بلندتر و بزرگ‌تر از اندازه معمول اما با شاکله‌ای درست نوشته می‌شد. این شیوه چون مقبول ذوق و سلیقه ایرانیان نیافتاد کم متروک شد و فقط آثار آن در نستعلیق افغانستان و هند و پاکستان باقی مانده‌است. دیگر شیوه شرقی یا خراسانی است که بنیانش را میرزا جعفر بن علی تبریزی بایسنفری (م ۸۶۰ ق) و شاگردش اظهر تبریزی (م ۸۸۰ ق) از خوشنویسان تبریزی‌الاصل مکتب هرات و دربار بازیزد پورانی

جدول ۱- جدول زنجیره استاد شاگردی نستعلیق نویسان (از آغاز تا میر عmad).



## نتیجه گیری

مکتب میرعماد در خط نستعلیق شکل گرفت و تا حدود سه قرن تداوم یافت.

در دوره قاجار، خوشنویسان چیره‌دست و صاحب‌شیوه‌ای چون وصال شیرازی و فرزندانش، فتحعلی حجاب شیرازی، میر حسین ترک، میرزا کاظم تهرانی و میرزا غلام‌رضا اصفهانی به عرصه ظهور آمدند که امروزه آثار هر یک از ایشان زینت‌بخش مجموعه‌های موزه‌های دنیا است. با وارد شدن صنعت چاپ سنگی به ایران و ظهور خوشنویس بزرگ این زمان، میرزا محمد رضا کلهر، خط نستعلیق وارد مرحله جدیدی از حیات خود شد. مکتب جدید که حاصل زمان و نبوغ میرزا کلهر بود، توسط شاگردان و پیروان او چون زین‌العابدین قزوینی، سید مرتضی برغانی و محمد حسین سیفی قزوینی ملقب به عmad‌الکتاب که هر کدام از خوشنویسان زبردست بودند دنبال گرفته شد و امروزه از طریق شاگردان ایشان جاری و مرسوم است.

چنانچه ملاحظه شد، نگارنده بر این گمان است که خط نستعلیق در قرن هشتم هجری، از تحول قلم نسخ تحریری و تصرف در آن با در نظر داشتن اصول خط تعلیق، شکل گرفت. ظاهراً خط نستعلیق ابتدا در دو حوزه کتابتی شیراز، و اندکی بعد در تبریز نشج یافت و به سرعت در هرات و بغداد که از مراکز بزرگ ادب و هنر در آن زمان بودند مورد توجه قرار گرفت و رواج پیدا کرد. این خط در حوزه هرات، تحت حمایت دربار هنرپور تیموری به اوج شکوفایی رسید و از آنجا در خراسان و سایر نقاط ایران گسترش پیدا کرد. در زمان حکومت دولت صفوی، خط نستعلیق با وجود استدان بزرگی چون میرعماد حسنی و علیرضا عباسی مراحل تکامل را پیمود. بعد از درگذشت میر عماد، شاگردان بر جسته اش چون عبدالرشید دیلمی، ابوتراب اصفهانی، عبدالجبار قزوینی، نورالدین لاھیجی، محمد صالح خاتون آبادی و علاقه‌مندان متعددی از شیوه او پیروی کردند و به این ترتیب

### پی‌نوشت‌ها:

- ۱ این خط از قلم نسخ که از جمله اقلام سنته است متفاوت می‌باشد.
- ۲ نظریه مرسوم دیگر این است که هر دو خط کوفی و نسخ مأخوذه از خط نبطی است. نک: بلاشر، ۱۳۶۲، ۸۹-۹۹. وی دلیل جدا شدن این دو خط را نحوه استعمال و کاربرد متفاوت آنها می‌داند. همانجا.
- ۳ برای آگاهی بیشتر از اقلام سته نک: فضائلی، ۱۳۵۰؛ همو، ۱۳۶۰.
- ۴ آنچه مسلم است اینکه ابن مقله در تکمیل اقلام موجود کوشیده و به بعضی از آنها سرو صورتی داده ولی نسبت وضع تمام آن اقلام به او جایز نیست. قالتشندي در صبح الاعشی می‌نویس: "بسیاری می‌پندارند اول کس که وضع اقلام کرد ابن مقله وزیر است. و روا نیست: و من به این اقلام خط دیده‌ام که دو قرن قبل از ظهور ابن مقله نوشته شده است. متنی صورت آن خطوط بی‌شباهت به خط کوفی نیست"، به نقل از بیانی، ۱۳۴۲، ۷۶۲.
- ۵ نظر دیگری درباره تکوین خط تعلیق وجود دارد مبنی بر اینکه خط تعلیق مقارن با رواج خط نسخ، توسط حسن بن حسین علی فارسی کاتب در عهد عmad‌الدوله و عضد‌الدوله دیلمی از خط نسخ و رقاع و ثلث پدید آمد و بیشتر مراسلات به آن خط نوشته شد. نک: سهیلی، ۱۳۵۹، دوازده، سیزده.
- ۶ برای آگاهی بیشتر از ارزش‌های این مجموعه کم مانند نک: افشار، ۱۳۸۳.
- ۷ نک عقب‌تر: نسخه عجائی المخلوقات مورخ ۷۹۰ ق به خط احمد هروی، نیز نسخه مثنویات خواجه کرمانی مورخ ۷۹۸ ق مکتوب در بغداد.
- ۸ قس: سبزواری، ۱۳۷۲، ۱۳۷۷.
- ۹ برای آگاهی بیشتر از مکتب خوشنویسی هرات نک: آذند، ۱۳۸۳، ۲۴-۳۶.
- ۱۰ برای آگاهی از سلسله شاگردی خوشنویسان خط نستعلیق نک. شجره‌مندرج در صفحه ۸۲ لازم به توضیح است که چنین شجره‌ای تنها قادر است تصویری کلی از سلسله شاگردی خوشنویسان ارائه دهد. در این شجره، اختلاف روایات در نظر گرفته نشده است. از طرف دیگر بسیار محتمل است که خوشنویسی نزد چندین استاد تعلیم گرفته باشد که نشان دادن این موضوع در این قبیل شجره‌ها مخاطب را دچار سردگی می‌کند.

## فهرست منابع:

- آذرنوش، آذرتابش (۱۳۷۴)، راههای نفوذ فارسی در فرهنگ و زبان عرب جاهلی، چ ۲، توس، تهران.
- آزند، یعقوب (۱۳۸۳)، خوشنویسی در قلمرو مکتب هرات، دوره پیشین هنر، کتاب ماه، ش ۶۹ - ۷۰.
- اسکندریک ترکمان (۱۳۸۲)، تاریخ عالم آرای عیاسی، زیر نظر ایرج افشار، ۲، امیرکبیر، چ ۳، تهران.
- افشار، ایرج (۱۳۸۲)، جستاری در نسخه‌شناسی بیاض تاج‌الدین احمد وزیر، نامه بهارستان، ش ۷ - ۸.
- بخاری، محمد (۱۳۷۲)، فواید الخطوط، در: کتاب آرایی در تمدن اسلامی، به کوشش نجیب مایل هروی، آستان قدس رضوی، مشهد.
- بلasher، رژی (۱۳۶۳)، تاریخ ادبیات عرب، ترجمه آذرتابش آذرنوش، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران.
- بیاض تاج‌الدین احمد وزیر (۱۳۵۳)، چاپ عکسی از نسخه خطی، به کوشش ایرج افشار، مرتضی تیموری، اصفهان.
- بیانی، مهدی (۱۳۴۲)، تاریخ خط، ایرانشهر، کمیسیون ملی یونسکو در ایران، تهران.
- بیانی، مهدی (۱۳۵۲)، کتابشناسی کتابهای خطی، به کوشش حسین محبوی اردکانی، انجمن آثار ملی، تهران.
- بیانی، مهدی (۱۳۶۲)، احوال و آثار خوشنویسان، چ ۲، علمی، تهران.
- حبیبی، عبدالحی (۱۲۵۶)، هنر عهد تیموریان و متقررات آن، بنیاد فرهنگ ایران، تهران.
- حصوری، علی (۱۳۶۲)، مجموع پژوهشانی، جانزاده، تهران.
- دوغلات، میرزا محمد حیدر (۱۳۸۳)، تاریخ رشیدی، به کوشش عباسقلی غفاری فرد، میراث مکتب، تهران.
- سبزواری، فتح‌الله (۱۳۷۲)، اصول و قواعد خطوط سنتی، در: کتاب آرایی در تمدن اسلامی، به کوشش نجیب مایل هروی، آستان قدس رضوی، مشهد.
- سراج شیرازی، یعقوب بن حسن (۱۳۷۶)، تحفه‌المحبین، به کوشش کرامت رعناع‌حسینی و ایرج افشار، نقطه و میراث مکتب، تهران.
- سلطانعلی مشهدی (۱۳۷۲)، صراط السطور، در: کتاب آرایی در تمدن اسلامی، به کوشش نجیب مایل هروی، آستان قدس رضوی، مشهد.
- سهیلی، احمد (۱۳۵۹)، مقدمه کتاب گلستان هنر، تألیف قاضی احمد قمی، منوچهری، تهران، چ ۲.
- فضائلی، حبیب‌الله (۱۳۵۰)، اطلس خط، انجمن آثار ملی اصفهان، اصفهان.
- فضائلی، حبیب‌الله (۱۳۶۰)، تعلیم خط، سروش، تهران.
- قاضی احمد قمی (۱۲۵۹)، گلستان هنر، به کوشش احمد سهیلی خوانساری، منوچهری، تهران، چ ۲.
- کاور، آلبرتین (۱۲۶۷)، تاریخ خط، ترجمه عباس‌مخبر، کورش صفوی، نشر مرکز، تهران.
- مالی هروی، نجیب (۱۳۸۰)، تاریخ نسخه پردازی و تصحیح اتفاقی نسخه‌های خطی، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران.
- مجnoon رفیقی (۱۳۷۲)، سواد الخط، در: کتاب آرایی در تمدن اسلامی، به کوشش نجیب مایل هروی، آستان قدس رضوی، مشهد.
- مرعشی نجفی، سید محمود (۱۳۸۰)، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، چ ۳۰، کتابخانه مرعشی، قم.
- مرعشی نجفی، سید محمود (۱۳۸۳)، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، چ ۳۲، کتابخانه مرعشی، قم.
- نصیری، ریلا (۱۳۶۹)، معرفی نسخه‌های شاهنامه فردوسی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران.
- نسیاری، سلیم (۱۳۸۰)، نسخه‌های خطی حافظ (سدۀ نهم)، مرکز حافظ‌شناسی، شیراز.
- هفت‌قلمی دهلوی، مولانا محمد (۱۹۱۰)، تذکرۀ خوشنویسان، به تصحیح محمد هدایت ۱۳۷۷، کلکته، روزنه، تهران.
- یوسفی، غلامحسین (۱۳۷۱)، خط و خطاطی، در: تاریخ و فرهنگ، علمی، تهران.

Alparslan, Ali(1990), Khatt, In Persia, in: Encyclopedia of Islam, Leiden, 2nd edition, 1990, Vol 4.

Safadi, Yasin Hamid(1992), Islamic Calligraphy, New York.

Sourdel-Thomine, J(1990), Khatt, In The Arab World, in: Encyclopedia of Islam, Leiden, 2nd edition, Vol 4.